

هم از آن اقتباس شده و شامل خبر، گزارش، تحلیل و برررسی مأموران امنیتی و اطلاعاتی از وضع و فعالیت‌های افراد مشکوک است. یکی از این خبرها به عنوان نمونه آورده می‌شود:

«یکی از کارگران ساختمانی درحالی که آجربالا می‌انداخت، به شیوه مذبحانه‌ای سعی داشت آهنگ ضدارزشی «اسمر یارم جانم، اسمری سامانم» را با صدای بلند بخواند.

ملاحظات ۱- به گفته شاهدان عینی، وی در هنگام حرکت ضدفرهنگی، پاپچه‌های شلوارش را نیز تا حد قابل ملاحظه‌ای بالا زده بود.

ملاحظات ۲- «موارد مشکوکی از قبیل بشکن زدن در محل فوق گزارش شده است.» (ص ۷۹)

بخش چهارم «داستانها، نمایشنامه و غیره» است و رویا صدر با دستمایه قراردادن این قالبها باز به مسائل سیاسی روز پرداخته است. با این همه، نویسنده در مقدمه کتاب قبول می‌کند که آخرین آثار مربوط به این بخش از «دام تنگ سیاست گریخته‌اند و خود در کتاب، سازی جداگانه می‌نوازند» (ص ۹)

اما آیا مطلب فوق به این معنی نیست که این آثار خودجوش تر بوده‌اند و علیرغم «فضای ذهنی» نویسنده از درون وی برآمده‌اند و در نهایت خود را به نویسنده تحمیل و به صورت این آثار بروز کرده‌اند؟ شاید به همین علت است که از زیباترین آثار گرد آمده در کتاب هستند. به نظر می‌رسد که رویا صدر هم در این قضاوت با ما هم عقیده است، وگرنه دلیلی نداشت که این آثار را که «سازی جداگانه می‌نوازند» در این مجموعه قرار دهد و همنوایی را به هم بزند. «کاخ

آرزوهایم» از جمله سازه‌های جداگانه است که چنانکه گفتیم در سال ۱۳۷۴ برنده «جشنواره طنز سوره» شد: کاخ آرزوهایم اگرچه رفیع است ولی کلنگی است.

وقتی از سقفش باران حقیقت چکه می‌کند.

و با هریاد و بورانی از واقعیت

می‌لرزد

- مثل خانه‌های شهر رودبار و منجیل -

هراس برمی‌دارد

که نکند

نتوانم آرزوهایم را هم با خودم به گور ببرم! (ص ۱۴۴)

«آرزو» و «امید» سرمایه حتی بسی چیزترین آدمهاست و همین امید آرزوهاست که آدمی را در بدترین شرایط سرپا نگه می‌دارد ولی چه بسا که فشار واقعیت تلخ به قدری باشد که حتی پیش از اینکه بمیریم، امیدهایمان بمیرد و دریغ که مصداق آن نفرین هم نمی‌شویم که «الهی آرزوهایت را به گور ببری!» قالب و شعر اثر کاملاً نو است و خود رویا صدر آن را «شعرواره» خوانده است که نشان می‌دهد نمی‌توانسته آن را در هیچیک از قالبهای مرسوم و متداول بگنجانند. اما این اثر اگرچه پرمعنا و زیباست، به نظر می‌رسد که طنز نیست. درست است که از طنز عاری نیست، اما قالب و ساخت کلی آن طنز نیست. احتمالاً مسوولان «جشنواره طنز سوره» که این اثر را برنده اعلام کردند در مقابل همین نویی و زیبایی آن جایزه داده‌اند و نمی‌توانستند چشم بر آن همه معنا و لطافت بندند. رویا صدر هم وقتی که می‌خواست گزیده‌ای از

از کتابهای طنزی که به تازگی منتشر شده یکی هم «خبر نامه محرمانه» از رویا صدر است.

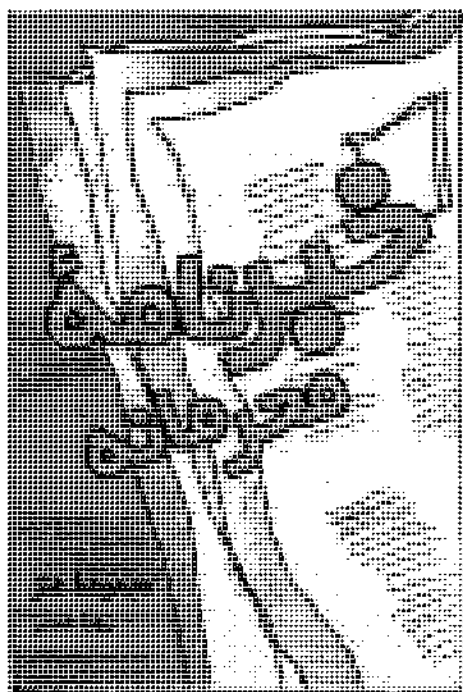
رویا صدر در مقدمه کتاب می‌نویسد که کتاب «گزیده کارهایی است که طی چند سال اخیر در زمینه طنز مرتکب شده» و «به تناسب فضای ذهنی بیشتر درونمایه سیاسی دارد و از این جهت جزو اسناد طبقه بندی شده طنز به شمار می‌آید» (ص ۹) از جمله آثاری که در این مجموعه گردآمده «کاخ آرزوهایم» (ص ۱۴۴)، «رهیافتی بر راهکردهای پسامدرنیستی و پروسه انگاره فمینیسم» (ص ۴۳) و «طرح تغییر قانون مطبوعات» (ص ۱۸) است که به ترتیب در جشنواره‌های ۱۳۷۴، ۱۳۷۶ و ۱۳۷۸ به عنوان اثر برگزیده معرفی و برنده جایزه شده‌اند.

«خبرنامه محرمانه» شامل چهار بخش است. بخش اول «شبه راهکارها و راهبردها» است که به راههای خروج از حادثترین مسایلی اجتماعی روز مانند «توسعه سیاسی» و «قانون مطبوعات» می‌پردازد.

بخش دوم شامل «مباحث نظری و ضدنظری» است و در آن به اصطلاح یا سبک و سیاق فرهنگ نویسان به مصطلحاتی مانند «نویسنده مزدور»، «شبه روشنفکر»، «غیرخودی» و نظایر اینها پرداخته شده است.

بخش سوم «بولتن محرمانه» نام دارد که نام کتاب

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



خبر نامه محرمانه

رویا صدر

انتشارات سخن، چاپ اول: ۱۳۷۸

کارهایش را «در زمینه طنز» منتشر کند، باز نتوانست از کنار این اثر بگذرد، چنانکه وقتی ما هم می‌خواهیم چیزی درباره «خبرنامه محرمانه» بنویسیم باز نمی‌توانیم از کنار آن بگذریم!

از دیگر آثار این مجموعه «عشق هرگز نمی‌میرد» است. در این داستان، X نردبان را پای دیوار باغ ملی گذاشت تا Y از آن بالا رفت، اما وقتی Z رسید و اعتراض کرد، X با تشکر از زحمات و خودگذشتگی Y، برای هماهنگی با Z نردبان را برداشت. (ص ۱۱۲)

پرداخت «طنزی» از واقعیتی که در جلوی چشم ملت است و ریختن آن در طرحی جمع و جور که همه مطلب را گفته باشد و چیزی را نگفته نگذاشته باشد، کار مشکلی است. در «شازده گوجولو» که مثل شازده کوچولوی سنت اگزوپوری از سیاره دیگری آمده، می‌خوانیم: «در سیاره تو، همه می‌خواهند زنده بمانند، با این حال روزنامه چاپ می‌کنند و مجله درمی‌آورند...» (ص ۱۱۱)

در بخش دوم با «رویکردی آماری بر فراگرد لقی درب! در انواع خودروها!» روبرو می‌شویم. در اینجا نویسنده با نگاهی آماری یک موضوع عمومی و در عین حال ساده را دست مایه طنز نوی کرده است: «یکی از معضلات امروز جامعه شهری ما، لق بودن در تاکسی‌ها و مسافرخش‌هاست... در رابطه با این پدیده، ۱۸۵ میلیون پرسشنامه با سوالات باز و نیمه باز و بسته به شیوه نمونه‌گیری تصادفی، بین مسافران و راننده‌ها پخش شد و با لحاظ کردن تصحیح شیارد (S) نتایج زیر از آن استخراج شد...» (ص ۶۹)

در بخش اول کتاب، شاید بهترین نوشته «طرح

تغییر قانون مطبوعات» باشد که به ترتیب در این شش فصل تدوین شده است: تعریف مطبوعات، رسالت مطبوعات، حقوق مطبوعات، حدود مطبوعات، جرایم مطبوعاتی، شرایط متقاضی و مراحل صدور پروانه. در تبصره‌های مربوط به «جرایم مطبوعاتی» آمده است:

«تبصره - رسیدگی به جرایم مطبوعاتی، مستلزم تشکیل دادگاه مطبوعات و حضور هیات منصفه نیست. تکلیف و تفصیل آن را پیامهای مردمی مندرج در بعضی از روزنامه‌جات معین می‌کند.

«تبصره - در صورت چاپ مطلب خلاف، علاوه بر صاحب امتیاز و مدیر مسؤول و سردبیر و نویسندگان و کادر خدمات که مسؤول می‌باشند، آبدارچی نشریه نیز به جرم ریختن آب به آسیاب استکبار جهانی دراز خواهد شد.

- نحوه دراز شدن را سلیقه دراز کنندگان تعیین می‌کند...» (ص ۲۱)

نثر رویا صدر چنانکه از همین یکی - دو نمونه مشهود است، روان، محکم و از همه مهمتر موثر است و این از ویژگیهای اساسی آثار وی است، اما نکته‌ای را که می‌خواهم ناگفته نگذارم اینکه بین طنز و فکاهه تفاوت هست. این را خانم صدر هم میدانند، ولی اگر هیچ وجه اشتراکی بین آنها نبینیم، چه بسا طنز نویسان را از بعضی ویژگیهای فکاهه که باعث شیرینی بیشتر آثار و در مرحله بعد گسترش مخاطبان‌شان می‌شود محروم کرده‌ایم. بخصوص اینکه طنز سیاسی برای اینکه با تغییر و تحولات سیاسی فراموش نشود و مورد استقبال نسلی قرار گیرد، غیر از محتوای مترقیانه، باید جذابیت‌های هنری شده دیگری هم علاوه داشته باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
پرتال جامع علوم انسانی

محرمانه‌ها افشاشد

اردلان عطار پور

سال مرگ ریکاردوریس

دریک نگاه

دکتر عباس پژمان به زودی ترجمه کتاب سال مرگ ریکاردوریس نوشته ژوزه ساراماگورا منتشر می‌کند.

پژمان که پیش از این والس خداحافظی از میلان کوندرا، بهار دم از امانوئل رولبس، باخت پنهان آخرین رمان گراهام گرین ماری از ولادیمیر نابوکوف و همه‌نامه‌ها آخرین رمان ژوزه ساراماگورا را ترجمه کرده است در حال حاضر مشغول ترجمه تاریخ محاصره لیسبون از ساراماگو است.

وی درباره کتاب جدید سال مرگ ریکاردوریس که به زودی منتشر می‌شود گفت: این کتاب یکی از رمان‌های جناب ساراماگوست و شخصی‌ترین و عاشقانه‌ترین کار او هم محسوب می‌شود و در واقع آشنایی خود او با همسرش بیلات یکی از موضوع‌های این رمان است به اضافه بررسی رمان تاریخی و خود تاریخی در ابعاد دیگر و با نگاه خاص ساراماگو و در کل اثر لطیف و بسیار شاعرانه‌ای است.

پژمان درباره ترجمه آثار ساراماگو افزود: حدود ده سال است که ساراماگو را می‌شناسم. بعد از اینکه آثار واسکونسلوس، نویسنده برزیلی را خواندم به ادبیات و زبان پرتغالی علاقه پیدا کردم. در مکزین لیتر، مطلبی درباره سال مرگ ریکاردوریس خواندم و بعد همان ده سال پیش کتاب را تهیه کردم، اما ترجمه‌اش کاری مشکل و وقت‌گیر بود، به علت سبک لیریک آن که از تمام دیگر آثار ساراماگو متمایز است. چون بهر حال نویسنده جدید در ایران به سختی مورد استقبال قرار می‌گیرد و ناشران تمایل چندانی به چاپ اثر از نویسنده ناشناخته ندارند، اقدامی نکردم. اما بعد از دریافت جایزه نوبل توسط ساراماگو، آثار دیگرش را هم تهیه کردم و در سال گذشته تمام آثار مهم او را مطالعه کردم.

وی گفت: مرغ تردید داشتیم که ساراماگو در ایران مورد استقبال قرار گیرد به این دلیل که مخاطب ساراماگو، مخاطب خاصی است.

دکتر پژمان که ترجمه آثار ساراماگو را از زبان فرانسه انجام می‌دهد در این باره گفت: مترجمان انگلیسی ساراماگو، دامنه اختیارات مترجم را از مترجمان فرانسه گسترده‌تر می‌گیرند. اما مترجمان فرانسه به متن وفادار می‌مانند. از طرفی ساراماگو خود مترجم فرانسه است و به کارهای ترجمه فرانسوی نظارت دارد و گاه همکاری می‌کند. از این رو من ترجمه فرانسه را اصل قرار دادم اما به متن انگلیسی هم مراجعه می‌کردم. دکتر پژمان که تمام آثار ساراماگو را مطالعه کرده و چند کار عمده او را ترجمه کرده است، تصمیم دارد درباره ساراماگو، به سبک او و آثارش مقالاتی نیز بنویسد.